

# بیانیه

## فعالین اتحاد چپ کارگری ایران

**خطاب به نیروهای ضدامپریالیست، ضد جنگ و فعالین جنبش کارگری همه ی کشورهای جهان !**

همانگونه که مطلع هستید؛ کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزادکارگری و فدراسیون اتحادیه های جهان، ۵ فوریه را روزحمایت ازکارگران ایران وشرکت واحد تهران وحومه اعلام کرده اند، اما مصادف شدن این فراخوان با کوششهای اخیر ایالات متحده و کشورهای اروپای غربی پیرامون پرونده هسته ای ایران و تاریخچه شکل گیری این یا آن تشکل فراخوان دهنده باعث شده فعالان جنبش ضد جنگ - جنبش ضد سرمایه داری و جنبش کارگری با شک و تردید به فراخوان این روز جهانی برخورد نمایند. اگرچه این شک و تردید برای ما فعالان ضدامپریالیست وضد جنگ - مدافعان جنبش کارگری ایران قابل درک است اما بعنوان بخشی ازنیروهای ضد نظام سرمایه داری و ضد جنگ که با هرگونه تحریم اقتصادی یا حمله نظامی به ایران شدیداً مخالفیم - لازم میدانیم نکاتی را درمورد کشورمان یادآورگردیم : سیاست های اقتصادی حاکمیت نظام اسلامی ایران درطول بیش ازدوده حکومت، همه در راستای تامین منافع سرمایه داری جهانی بکارگرفته شده است . این سیاست ها طی دوره های ۸ ساله ، با عناوین پرطمطراقی چون " دوران سازندگی" دوران "اصلاح طلبی" ... برنامه های سیاسی - اقتصادی مشابهی را درمسیراقتصاد نئولیبرال- پیروبرنامه صندوق بین المللی پول، بانک جهانی وسازمان تجارت جهانی، در چهارچوب نظامی عمیقاً فاسد وچپاول گرپیش برده اند.

بعد از پشت سر نهاده شدن دوره هشت ساله حکومت خاتمی وشکست ادعای اصلاح طلبی، اما بحران همه جانبه تری بر حیات اقتصادی- اجتماعی - فرهنگی - سیاسی سراسر جامعه ایران، مستولی گشته است، نه تنها مشکلات معیشتی مردم کاهش نیافته است؛ نه تنها محدود خواستهای سیاسی بشدت سرکوب شده است، بلکه بحران در عمق جامعه هر روز عمیق تر می گردد و بیکاری فزاینده، فساد اداری، تعطیلی واحدهای کارگری، فقر، فحشا، افزایش کودکان خیابانی کار، کارتون خواب ها، اعتیادو خودفروشی دختران طبقات محروم جامعه، ناهنجاری های اجتماعی را به سطح فاجعه باری کشانده است . جمهوری اسلامی اما در مقابل حرکات اعتراضی ، راهی جز سرکوب خشن، دستگیری، زندان ، صدور احکام طولانی مدت و اعدام وترور نمی شناسد. درست از اینجاست که تشنج آفرینی در عرصه سیاست خارجی ، سرپوشی برای سرکوب های داخلی ولاپوشانی نسبت به اعتصابات و اعتراضات مطالباتی کارگران وزحمتکشان سراسر ایران تلقی می گردد.

آمار اعتراضات کارگران ایران در سه ماه آخرسال ۲۰۰۵ به بیش از ۲۰۰۰ مورد گزارش شده است. این اعتراضات عمدتاً برابر عدم تامین اجتماعی کارگران، بیکارسازی ها، قراردادهای موقت، تعطیلی کارخانه ها و عدم دریافت حقوق ودستمزدها وغیره بوده است . به این همه باید عدم برخورداری کارگران از حق تشکل مستقل ، ممنوعیت اعتصاب وتجمعات کارگری را هم اضافه نمود.

بر اساس گزارش یکی از روزنامه های داخل کشور، بانک جهانی پیش بینی کرده است : " ایران طی پنج سال آینده باشدیدترین فشار اشتغال زایی مواجه می شود، وباتوجه به ترکیب جمعیتی ایران، نرخ بیکاری در آن به بالاترین سطح خود می رسد" ( روزنامه دنیای اقتصاد، پنج شنبه ۵ آبان ۸۴ برابر ۲۷ اکتبر ۲۰۰۵ ) در همین زمینه خبرگزاری رسمی رژیم اعلام میدارد: بانک جهانی تازه ترین

بر آورد خود را از نرخ بیکاری در کشورهای خاورمیانه اعلام کرده است، و بر پایه این گزارش آمده است:  
"از آنجا که میانگین سنی جمعیت ایران هم اکنون زیر ۱۲ سال است، طی پنج سال آینده ایران  
باشدیدترین فشار برای اشتغال زایی مواجه خواهد شد. در حال حاضر، نرخ بیکاری در ایران، ۱۳/۸  
درصد است، اما پیش بینی می شود که رقم بیکاری تا سال ۲۰۱۰ به بالاترین سطح خود،  
حدود ۲۳ درصد خواهد رسید که بالاترین میزان بیکاری طی چندین سال اخیر خواهد بود." (خبرگزاری مهر،  
اکتبر ۲۰۰۵)

وضعیت عمومی جامعه ایران بزبان آمار غیر رسمی، بمراتب اسفبارتر از این چیزی است که  
در روزنامه های رسمی منعکس است. بعلاوه در دوره اخیر با روی کار آمدن محمود احمدی نژاد،  
دستگاه دولت با بحران جدی و بی اعتمادی درونی همه جانبه روبرو است. پاکسازی های وسیع  
در ادارات و نهادهای گوناگون از جمله دانشگاهها، وزارتخانه ها، مدیران ارشد بانک ها، حتی جابجایی  
شماری از سفرا، تنش های همه جانبه ای در درون حاکمیت بوجود آورده است و این همه بی ثباتی را  
در همه ارکان نظام بنمایش می گذارد.

بر بستر چنین شرایط سیاسی - اقتصادی بود که روز ۲۲ ژانویه قریب ۱۲۰۰ نفر از اعضای  
سندیکای شرکت واحد که ماهها است درگیر مبارزه برای ایجاد تشکل خود هستند، به جرم شرکت  
در اعتصاب دستگیر شدند و بسیاری از آنها همچنان در اوین زندانی هستند - شمار کمی از کارگران زندانی  
که بعد از بازجوییها و تهدید های جانی، در ازای وثیقه های سنگین موقتا آزاد گردیده اند، اجازه بازگشت  
بر سر کار های خود را نیافته اند و خود و خانواده شان بشدت در معرض فشار مالی و تنگناهای معیشتی  
قرار گرفته اند. این وضعیت مشقت بار در حالی است که اعتصاب کارگران واحد، در اثر توطئه ی  
مشترک خانه ی کارگر، شورا های اسلامی کار و مدیریت شرکت واحد و پشتیبانی شدید امنیتی دستگاه  
قضائی و سازمان امنیت ایران با شکست مواجه گردید؛ و اکثر نمایندگان و رهبران سندیکا به همراه  
دیگر کارگران اعتصابی در زندان بسر می برند.

از همین رو مبارزه متحد و همبسته داخلی و بین المللی برای آزادی فوری کارگران مبارز زندانی  
ایران و حمایت قاطع از خواستهای فوری کارگران شرکت واحد از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است  
. البته که کنفدراسیون بین المللی تنها به انتشار یک بیانیه و تعیین یک تاریخ بسنده کرده است که در  
آکسیون سراسری روز ۱۵ فوریه اتحادیه های عضو می توانند در آن شرکت کنند.

اینکه اتحادیه های عضو کنفدراسیون و دیگر اتحادیه های کارگری بنا به مصالح و منافع و گرایش  
خود چه نوع از حمایت و همبستگی را با کارگران دیگر کشورها ابراز می دارند و رهبران آنان تا کدام  
حد و مرز به بسیج افکار عمومی و کشاندن کارگران عضو اتحادیه در روز اعلام شده اقدام می نمایند را  
تجربه روز ۱۵ فوریه به اثبات می رساند. اما آنچه بی تردید روشن است امروزه خواستها و مطالبات  
طبقه کارگر ایران و بویژه خواستهای کارگران شرکت واحد در سطح افکار عمومی بین المللی بازتاب یافته  
و مورد حمایت معنوی بسیار قرار گرفته و فعالین چپ کارگری را از کشورهای مختلف در برابر این  
پرسش قرار داده است که در فضای جنجالی جنگ افروزان کنونی چگونه می توان هرگونه تجمع  
در برابر جاسوسخانه های رژیم یا تجمع در برابر دفاتر وزارت کشور محل زندگی ایرانیان تبعیدی را به  
اعتراضی توانمند علیه سیاستهای جنگ افروزان سرمایه جهانی در اروپا - آمریکا و استرالیا و در دفاع  
از مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران تبدیل کنیم.

از همین رو ضروری است تمامی نیروهایی که صدای کارگران ایران را شنیده اند و خود را متحد  
واقعی آن می شمارند بیش از گذشته به آگاهی و شناخت خود از مبارزات درون جامعه ایران بر علیه رژیم  
سرکوبگر و ضد کارگری جمهوری اسلامی ایران بیافزایند و در فعالیت های کشوری و منطقه ای خود  
صدای مبارزه کارگران و زحمتکشان ایران را بیش از پیش بازتاب نمایند.

از این روست که اعلام می داریم: اعمال سیاستهای دولتهای امپریالیستی، از طریق شورای  
امنیت، مبنی بر سیاست تحریم اقتصادی رژیم اسلامی را چون دوران هشت ساله جنگ ارتجاعی عراق  
و ایران، در این شرایط تقویت نموده و بخش دولتی و خصوصی سرمایه داری ایران را، در به محرومیت  
کشاندن و چپاول کارگران و همه مزدو حقوق بگیران کشور نه تنها هارتر می نماید؛ بلکه به رژیم کنونی  
یک بار دیگر فرصت می دهد تا به بهانه ی مقابله با دشمنان خارجی، هر صدای مخالفی را از درون  
جامعه در نطفه خفه سازد.

ما فعالان جنبش ضد جنگ، جنبش ضد سرمایه داری، جنبش کارگری ایران بر این نظریه که؛ دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان ایران بامناف هم سرنوشتان و هم طبقه ای هایشان در افغانستان و عراق و همه کشورهای پیرامونی گره خورده است و هرگونه پشتیبانی و همبستگی جهانی با کارگران ایران بدون محکوم شناختن سیاستهای امپریالیستی و سلطه طلبی سرمایه جهانی و کشورگشایی های آنان و افشای سیاستهای تشنج آمیز دولت ایران که کشورمان را به لبه پرتگاه جنگ و نیستی کشانده میسر نیست - ماضی همکاری و استقبال از همبستگی و پشتیبانی های بین المللی مجامع کارگری و اتحادیه ها از طبقه کارگر ایران، هر نوع سیاست جنگ افروزی و تحریم اقتصادی در سطح منطقه را دخالت در عرصه حیات جامعه مان شناخته و ضمن محکوم کردن امپریالیسم جنگ طلب، در روز ۱۵ فوریه ۲۰۰۶ و هر روز دیگر که اعتراضی هست، فریاد بر خواهیم آورد:

ما از مبارزات کارگران سندیکای شرکت واحد و استقلال عمل آنان دفاع می کنیم و آزادی بی قید و شرط منصور اسانلو و همه دستگیر شده گان را خواستاریم .

ما طرفدار مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشانیم ، بر علیه جنگ و بر علیه غارتگری جهانی سرمایه؛ مبارزه می کنیم و برای ساختن جهان دیگر عضو جنبش بین المللی دگر سازی انقلابی هستیم .

زنده باد تشکل مستقل کارگری در ایران

پیروز باد مبارزه ی کارگران زندانی در ایران

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

## اتحاد چپ کارگری ایران ۱۲ فوریه ۲۰۰۶

آدرس پستی:

Box 2233 - 40314 Gutenberg Sweden Gb9 Tel : 4631139897

[etehadchap@yahoo.co.uk](mailto:etehadchap@yahoo.co.uk)

<http://www.etehadchap.org>